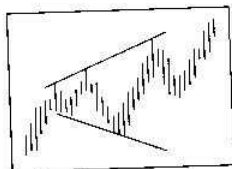


دایرةالمعارف الكوهای نموداری



توماس بولکوفسکی

مترجمین: مهدی، پوریایی، پوریا تیرگر
(ویرایش دوم)

www.Ketab.ir

سرشناسه	: بولکوفسکی تامس ان، ۱۹۵۷-م. Thomas N Bulkowski
عنوان و پدیدآور	: دایره المعارف الگوهای نموداری / توماس بولکوفسکی، مترجمین: مهدی میرزایی، پوریا تیرگر.
مشخصات نشر	: تهران، آراد کتاب، ۱۳۹۵
مشخصات ظاهری	: ۱۱۲۸ ص، مصور، جدول
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۱۸۶-۲۳۰-۴
یادداشت	: عنوان اصلی: Encyclopedia of chart patterns 2005
موضوع	: سهام - جدول‌ها و نمودارها
موضوع	: سرمایه‌گذاری - تجزیه و تحلیل
شناسه افزوده	: میزایی، مهدی، ۱۳۶۵ - مترجم
شناسه افزوده	: تیرگر، پوریا، ۱۳۶۷ - مترجم
رده بندی کنگره	: HB ۴۶۳۸ / ۹۲۲ / ۱۳۹۵
رده بندی دیویی	: ۳۳۲ / ۳۲۱ / ۲۱
شماره کتابخانه ملی	: ۴۱۸۹۹۹۹

دایره‌المعارف الگوهای نموداری

- ☒ ترجمه: مهدی میرزایی - پوریا تیرگر
☒ نوبت چاپ: اول ۱۳۹۵
☒ چاپ و صحافی: عطا - آفرینش
☒ ناشر: آراد کتاب
☒ قیمت دولتی: ۶۴۰۰۰۰ ریال
☒ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۸۶-۲۳۰-۴

حق چاپ برای ناشر محفوظ است. کلیه حقوق و حق چاپ متن، طرح روی جلد و عنوان کتاب با نگرش به قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ برای انتشارات آراد کتاب محفوظ است و متخلفین تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

مرکز پخش و فروش:

انتشارات آراد کتاب تلفن: ۶۶۹۷۵۲۸۵ - ۶۶۴۸۲۲۲۶ - ۰۹۱۲۳۰۶۲۴۵۸

خرید آنلاین از سایت: www.aradbook.com

فهرست

معرفی نویسنده

پیشگفتار

درباره

بخش اول الگوهای نموداری

هفت

نه

۱

۹

۱۱

۳۱

۵۱

۷۱

۹۱

۱۱۱

۱۲۹

۱۴۹

۱۶۷

۱۸۷

۲۰۵

۲۲۵

۲۴۵

۲۶۳

۲۸۱

۲۹۹

۳۱۹

۳۳۷

۳۵۷

۳۷۳

۳۹۱

۴۰۹

۴۲۳

۴۳۷

۴۵۵

۴۷۳

۴۹۳

۵۱۳

۵۲۹

کف رو به گسترش

رو به گسترش، راست گوشه و صعودی

رو به گسترش، راست گوشه و نزولی

سقف رو به گسترش

سقف رو به گسترش، صعودی

سقف رو به گسترش، نزولی

برآمدگی و رانش (بازگشت تفتانی)

برآمدگی و رانش (رانش تفتانی)

فتیان با دسته

فتیان با دسته، وارونه

الماس تفتانی

الماس فوقانی

کف دوگانه، آرم و آرم

کف دوگانه، آرم و هوا

کف دوگانه، هوا و آرم

کف دوگانه، هوا و هوا

سقف دوگانه، آرم و آرم

سقف دوگانه، آرم و هوا

سقف دوگانه، هوا و آرم

سقف دوگانه، هوا و هوا

پرچم

پرچم

پرچم، بلند و فشرده

شلاف‌ها

سر و شانه تفتانی

سر و شانه تفتانی، پیچیده

سر و شانه فوقانی

سر و شانه فوقانی، پیچیده

شاخ تفتانی

شاخ فوقانی

۵۴۵	۳۰	وزیرة بازگشتی
۵۶۳	۳۱	فراير طويل
۵۸۱	۳۲	مركت شمردۀ نزولي شروع جلد دوم
۵۹۷	۳۳	مركت شمردۀ صعودي
۶۱۱	۳۴	پرچم سه گوش
۶۲۷	۳۵	لولۀ تفتاني
۶۴۳	۳۶	لولۀ فوقاني
۶۵۹	۳۷	مستطيل تفتاني
۶۷۹	۳۸	مستطيل فوقاني
۶۹۷	۳۹	كف مد
۷۱۳	۴۰	سقف مد
۷۳۱	۴۱	صدف صعودي
۷۴۹	۴۲	صدف صعودي و وارونه
۷۶۷	۴۳	صدف نزولي
۷۸۵	۴۴	صدف نزولي و وارونه
۸۰۱	۴۵	سه قلۀ نزولي
۸۱۷	۴۶	سه ذرۀ صعودي
۸۳۳	۴۷	مثلث صعودي
۸۵۵	۴۸	مثلث نزولي
۸۷۲	۴۹	مثلث متقارن
۸۹۷	۵۰	كف سه گانه
۹۱۳	۵۱	سقف سه گانه
۹۳۱	۵۲	سه گوش نزولي
۹۴۹	۵۳	سه گوش صعودي

بخش دوم الگوهای رویدادی

۹۶۹	۵۴	جستن گریه مرده
۹۸۷	۵۵	جستن گریه مرده وارونه
۹۹۹	۵۶	درآمد کمتر از هزینه انتظار
۱۰۱۳	۵۷	درآمد بیشتر از هزینه انتظار
۱۰۲۷	۵۸	میوز دارویی FDA
۱۰۴۳	۵۹	پرچم، درآمد ها
۱۰۵۹		فلاصه آماری
۱۰۸۳		واژه نامه و روش شناسی
۱۰۹۵		نمایه الگوهای نموداری و رویدادی
۱۱۰۱		نمایه

معرفی توماس بولکوفسکی

«توماس بولکوفسکی» (Thomas Bulkowski) به زعم بسیاری از شخصیت‌های دنیای معامله‌گری برجسته‌ترین نویسنده دنیا در حوزه الگوهای نموداری است. وی سرمایه‌گذاری موفق و معامله‌گری با تجربه در بازار سهام است. در ۲۷ معامله، او پول خود را حداقل دو برابر کرد و بیش از ۱۰۰۰٪ در شش سهام انتخابی سود کسب کرد (بازدهی یکی از آن‌ها ۴۳۰۰٪ بود). وی همچنین نویسنده کتب متعددی است. کتاب تحسین‌برانگیز وی به نام دایرةالمعارف الگوهای نموداری در سال ۲۰۰۳ توسط سالنامه معامله‌گران سهام به‌عنوان کتاب برگزیده سال انتخاب شده است. کتاب‌های وی به ۸ زبان ترجمه شده است. بیش از یک‌صد مقاله از او در زمینه معامله‌گری در سهام، اوراق قرضه و آتی منتشر شده است.

توماس بولکوفسکی فارغ التحصیل دانشگاه سیراکیوز در رشته مهندسی است. به سرعت پس از فارغ التحصیلی به کار حرفه‌ای خود در مبدین شرکت ادامه داد؛ اما پس از ده سال و نیم و در ۳۶ سالگی از کار خود اخراج شد و پس از آن وارد بازار سهام شد.

«توماس بولکوفسکی» مبتدیان را قادر می‌سازد تا در مورد سرمایه‌گذاری در سهام با تجزیه و تحلیل بنیادی به عمل آورد. در ابتدا سودهای مناسبی کسب کرد و سرمایه وی با فراز و نشیب در حال رشد بود؛ اما بعدها متوجه شد که هیچ سودی در طی یک سال کسب نکرده است. بنابراین از آن هر سهامی می‌خرید بلافاصله سقوط می‌کرد؛ به همین علت مجذوب تحلیل تکنیکی شد.

سپس با مطالعه نمودارها، احترام بیشتری برای تجزیه و تحلیل تکنیکی قائل شد؛ بنابراین با نگاهی عمیق‌تر به تجزیه و تحلیل تکنیکال نگریست. پس از مطالعه کتاب‌های بسیار، متوجه شد که بسیاری از آمار مربوط به الگوهای نموداری گنگ و مبهم است. به عنوان مثال مشاهده نمود که در بسیاری از کتب نوشته شده است که الگوی سر و شانه بیشتر مواقع کار می‌کند. معنی آن چیست؟ آیا منظور این است که آن با ۶۰٪ یا ۹۰٪ از مواقع کارایی مناسبی دارند؟ هیچ کتابی پاسخگو نبود.

به عنوان یک مهندس می‌خواست واقعیات را بیابد و از شعارهای کلیشه‌ای دوری کند. بنابراین برای یک دوره پنج ساله، هزاران نمودار را در ۵۰۰ سهام و شاخص مورد بررسی قرار داد و به حقایق روشن و محکمی دست یافت. سپس کتاب دایرةالمعارف الگوهای نموداری را نوشت. همچنین وی ۷ کتب دیگر در زمینه الگوهای نموداری و روانشناسی معامله‌گری نوشته است.

شیوة معاملاتی توماس بولکوفسکی:

ابتدا قدرت نسبی صنعت را با رتبه‌بندی ۴۶ صنعت بر مبنای عملکرد بیش از شش ماه گذشته آن‌ها مشخص

می‌کنم. منظور از ۱۰ صنعت برتر صناعی است که عملکرد سهام آن‌ها در این مدت تغییر نکرده و همچنان مناسب باشد. من می‌خواهم بدانم چه صناعی کارایی مناسبی دارند و از چه صناعی بایستی دوری کنم.

پس از آن ۴۵۰ اوراق بهادار که عمدتاً سهام است را از نزدیک بررسی می‌کنم. هر یک از سهام در صنعتی طبقه‌بندی شده‌اند، به‌طوری‌که ابتدا سهام هواپیمایی، مواد شیمیایی و غیره قرار دارند. من هر روز به آن ۴۵۰ سهم نگاه می‌کنم، بنابراین رفتار نه‌تنها هر یک از سهام، بلکه رفتار صنعت را نیز بررسی می‌کنم. سپس کامپیوترم به جستجوی خودکار الگوهای نموداری و شمعی می‌پردازد.

در نهایت زمانی که الگویی نموداری که ارزش معامله کردن داشته باشد را یافتم، یک چک‌لیست از مسائلی که بایستی بررسی شود تهیه می‌کنم؛ مسائلی از قبیل حد زیان، هدف قیمت، جهت آینده بازار، امتیاز الگوی نموداری و غیره. کار تأیید صلاحیت الگوی نموداری ممکن است یک ساعت طول بکشد؛ اما با یک‌بار تحقیق، در مورد آن معامله تصمیم‌گیری می‌کنم.

بهترین معاملات من زمانی بوده است که الگوهای نموداری دارای گریزهایی در نزدیکی یا اوج قیمت‌های سالانه بوده‌اند. آمار من می‌گوید بهترین مکان برای معامله در یک‌سوم پایینی دامنه نوسان سالانه است. آن‌ها دارای بهترین میانگین افزایش و بیشترین نرخ‌های ناکامی هستند، اما در بازارهای امروز، الگوها در نزدیکی کف سالانه تمایل به گریزهای رو به بالا دارند و من زمان سقوط می‌کنند.

در نزدیکی اوج سالانه، هیچ مقاومت بالایی نمی‌بینم؛ آن‌ها می‌توانند به‌جز اعداد صحیح وجود ندارد، یک مثلث نزولی با گریز رو به بالا برای من ارجح است. از حیث میانگین افزایش، در رتبه دوم قرار دارد (۴۷٪)، در میزان ناکامی رتبه هفتم را دارد (۷٪) و دارای رتبه عملکرد کلی ۵ از ۲۳ است (۱ بهترین است).

وبسایت «توماس بولکوفسکی»: <http://the-patternsite.com>

فهرست کتب منتشر شده «توماس بولکوفسکی» در ایران:

Encyclopedia of Candlestick Charts دایرةالمعارف الگوهای شمعی ترجمه: مهدی میرزایی - پوریا

تیرگر / چاپ دوم، نشر آزاد ۱۳۹۵

Encyclopedia of Chart Patterns دایرةالمعارف الگوهای نموداری، ویرایش دوم،

ترجمه: مهدی میرزایی، پوریا تیرگر / نشر آزاد ۱۳۹۵

Trading Classic Chart Patterns معاملات با بهترین الگوهای نموداری، ترجمه: مهدی میرزایی، پوریا

تیرگر / نشر آزاد ۱۳۹۵

Visual Guild to Chart Patterns راهنمای بصری الگوهای نموداری ترجمه: مهدی میرزایی، پوریا تیرگر /

نشر آزاد ۱۳۹۵

پیشگفتار

به یاد دارم هنگامی که سال‌ها قبل برای اولین بار وارد بازار سهام شدم، شاهد استفادهٔ اکثر تحلیل گران و سرمایه‌گذاران از روش بنیادی بودم. تحلیل گران بنیادی با بررسی صورت‌های مالی و تخمین قابلیت سودآوری شرکت در دوره‌های مالی آتی، به پیش بینی ارزش آیندهٔ قیمت سهام می‌پرداختند. خودم سال‌های متمادی از این روش به صورت حرفه‌ای استفاده می‌کردم؛ اما در معاملاتم حلقه‌ای مفقوده وجود داشت و آن زمان درست ورود و خروج به سهم بود.

تحلیل بنیادی دورنمایی از وضعیت سهام ترسیم می‌کرد، اما قادر به پیش بینی رفتار قیمت در روزها و هفته‌های پیش رو نبود. از سویی، استفاده‌کنندگان از این روش با اطمینان خاصی در مورد هدف آیندهٔ قیمت صحبت می‌کردند که در بسیاری از مواقع محقق نمی‌شد! هرچند شیوهٔ نوسان بازی را نمی‌پسندیدم؛ اما روش بنیادی به نحو چشمگیری در پیش بینی محدوده‌های کف و سقف قیمت و تعیین زمان درست خرید و فروش ناتوان بود. همچنین استفاد از داده‌های بنیادی در بسیاری از مواقع مرا ترغیب به نگهداری سهام رو به کاهش می‌کرد. بعضاً مشاهده می‌کردم سهمی با پتانسیل بنیادی محکم و چشم‌انداز سودآوری روشن، هفته‌ها و بلکه ماه‌ها روندی خنثی و حتی نزولی دارد. با این رفتار، نتایج این وضعیت با تحلیل تکنیکال آشنا شدم.

تحلیل تکنیکی با بررسی روند گذشتهٔ قیمت سهام و نقاط عطف در تاریخچهٔ نمودار، به خوبی رفتار پیشین معامله گران را تعریف و ترسیم می‌نمود. به کمک این روش رفتار پیشین معامله گران در نواحی خاصی از نمودار قیمت، به خوبی می‌شد تغییرات روند را شناسایی و هشدارهای لازم برای تغییر استراتژی معاملاتی را پیدا کرد. علی‌رغم شیفتگی من به این روش تجزیه و تحلیل، باز هم فعلاً منابع اطلاعاتی در مورد این روش باعث برخی نواقص در دادوستدهایم می‌شد. به طور مثال در بسیاری از کتاب‌ها نگاه شده در زمینهٔ تحلیل تکنیکی، پرچم به عنوان الگوی ادامه‌دهنده مطرح شده است و همیشه پس از پرچم صعودی، روند صعودی قیمت استمرار می‌یابد. با اتکا به «همین واژهٔ «همیشه»» به دنبال پرچم‌ها در روندهای قیمتی گشتم. حتی در چندین مورد از آن‌ها وارد موقعیت معاملاتی شدم؛ اما روند قیمت پس از پرچم مطابق انتظار پیش نرفت و قیمت‌ها سرانجام به یک جای کار اشکال داشت. چرا الگوی پرچم ناکام ماند؟

از آن روز نگرش من در مورد الگوهای نموداری دستخوش تغییر شد. پس از آن به فکر مطالعات عمیق و دقیق‌تر در زمینهٔ کارکرد الگوهای نموداری افتادم تا اینکه با کتاب حاضر آشنا شدم؛ زیرا نمی‌خواستم با تکیه بر مطالعات سطحی در زمینهٔ میزان عملکرد الگوهای نموداری، موقعیت‌های معاملاتی خود را به مخاطره بیندازم. پس از مطالعهٔ کتاب حاضر، متوجه شدم نگارندهٔ این کتاب نیز به مشکلی مشابه من برخورد کرده است و آن فقدان بررسی آماری دقیق در مورد کارکرد هر الگوی نموداری است.

از آنجاکه بنیان تحلیل تکنیکی، بر داده‌های آماری و رویدادهای گذشته استوار است، بررسی میزان موفقیت با

عدم موفقیت الگوهای نموداری در تعداد زیادی از سهام در بازه طولانی، می‌تواند به ترسیم وضعیت آینده الگوی نموداری کمک کند؛ زیرا در بازار پیچیده و سیال سهام، نمی‌توان چشم‌ها را بست و گفت: «الگوی کف دوگانه به خوبی عمل خواهد کرد!» این لفظ «به خوبی» چند درصد است، ۶۰٪ یا ۸۰٪؟ چند درصد ممکن است این الگو ناکام بماند؟ افزایش یا کاهش قیمت پس‌از این الگو چقدر است؟

پیش‌از این کتاب کسی قادر به اظهارنظر در این مورد نبوده است. توماس بولکوفسکی با بررسی دقیق آماری، انقلابی در تجزیه و تحلیل کارایی الگوهای نموداری ایجاد کرد و زوایای پنهان بسیاری را در زمینه عملکرد الگوهای نموداری برای ما روشن کرده است. این مطالعات آماری، می‌تواند به کاهش مخاطرات و افزایش موفقیت سرمایه‌گذاری ما در استفاده از الگوهای نموداری کمک کند. در طی پژوهش‌های بولکوفسکی، الگوهای نموداری جدیدی شناسایی شده است که پیش‌از این اندک معامله‌گری در بازار سهام با آن‌ها آشنایی داشت. ویرایش دوم کتاب حاضر که «فروشن‌ترین کتاب در زمینه الگوهای نموداری است، تحسین بسیاری از معامله‌گران حرفه‌ای بازارهای سهام را برانگیخت. ویرایش دوم این کتاب، جامع‌ترین و با ارزش‌ترین مرجع در زمینه چگونگی معاملات موفق با الگوهای نموداری است. معامله‌گر را در مواقع بحرانی در شناسایی الگوهای نموداری نجات داده و احتمال خرید سهام در نزدیکی کف و فروش در نزدیکی سقف قیمت را افزایش می‌دهد. به همین علت تصمیم به ترجمه این اثر ارزشمند بر ما لازم شد. در سهام گرفتیم. در آینده نیز سایر آثار توماس بولکوفسکی نظیر: دایرة المعارف الگوهای شمعی، معاملات بهتر با الگوهای نموداری، راهنمای بصری الگوهای نموداری و شروع به کار با الگوهای نموداری ترجمه خواهد شد. امید است کتاب حاضر یاریگر شما عزیزان در استفاده بهینه از الگوهای نموداری و افزایش میزان موفقیت شما در داده‌مند سهام باشد.

در هر فصل از دایرة المعارف الگوهای نموداری، مباحث زیر مطرح می‌شود:

* **چکیده نتایج:** خلاصه آماری از رفتار الگو؛ از جمله رتبه عملکرد آن، میزان ناکامی‌ها، میانگین افزایش یا کاهش قیمت، میزان گریزها در بازارهای کاهشی و افزایشی.

* **بررسی اجمالی:** معرفی گسترده الگو و راهنمای شناسایی الگو.

* **ارزیابی ناکامی:** الگوهای ناکام مانده و دلایل ناکامی آن‌ها.

* **آمار:** بررسی عملکرد و کارایی الگو با دسته‌بندی به انواع بازار (کاهشی، افزایشی) از سه میانگین افزایش یا کاهش، میزان ناکامی، اشکال حجم معاملات، آمار عملکرد مربوط به اندازه الگوها.

* **شیوه‌های معاملاتی:** استراتژی مناسب جهت افزایش سود و به حداقل رساندن ریسک معاملات با مثال‌آوری از معاملات فرضی یا واقعی با استفاده از داده‌های واقعی.

* **برای بهترین عملکرد:** جدول راهنمایی جهت افزایش عملکرد معاملاتی.

مقدمه‌ای بر چاپ دوم

در ماه مارس سال ۲۰۰۰، دنیای مالی تغییر نمود. این تاریخ روزی نبود که این کتاب به قفسه کتاب‌فروشی‌ها رسید، بلکه آغاز بازاری کاهشی بود که دو سال و نیم به طول انجامید. سرانجام به داده‌های بازار کاهشی برای پیدا کردن الگوهای نموداری رسیدم!

پس از صرف تقریباً ۵ سال زمان برای کامل کردن مطالب ویرایش اول، تصمیم گرفتم مطالب را به‌روزرسانی کنم. من محتوای اصلاحی کتاب را تغییر دادم؛ اما تغییرات مهمی در ویرایش دوم ایجاد نمودم که فهرست زیر شامل آن‌ها می‌شود.

✱ آمارها: ازاره‌ای کاهشی و افزایشی را برای کامل نمودن کتاب آورده‌ام.

✱ پس: داده‌های آمارها و قرار دادن همه آن‌ها در ساختاری مشابه.

بخش چکیده کتاب: آغاز هر فصل، مهم‌ترین آمارها و شگفتی‌ها نشان داده می‌شود.

آمار کلی: شامل میانگین افزایش یا کاهش، عملکرد الگوی ناقص و عملکرد معیار.

میزان ناکامی: فهرستی از آن‌هایی که تعداد ناکامی الگوها را نشان می‌دهد.

آمار و ارقام گریز و پس از گریز: عملکرد محدوده قیمت سالانه، میزان عقب‌نشینی (Pullback) و عملکرد پس از شکاف را نشان می‌دهد.

توزیع فراوانی روزهای منتهی به اوج یا فرودنها: نشان می‌دهد که احتمالاً روند در چه زمانی به پایان می‌رسد.

آمار اندازه: نشان می‌دهد که عملکرد الگو برای ارتفاع، پهنا و ترکیبی از آن دو متفاوت است.

آمار حجم معاملات: شامل روند حجم معاملات؛ مفهومی که من آن را اشکال حجم معاملات نام نهادم و حجم معاملات در روز گریز می‌شود.

برای بهترین عملکرد: شامل فهرستی از راهنمایی‌هایی معاملات است.

✱ الگوهای نموداری بیشتری گنجانده شده است. من در این ویرایش، الگوهای جدید اضافه کردم.

✱ الگوهای رویدادی: من ۹ نوع الگوی جدید اضافه نمودم که آن‌ها را الگویی رویدادی می‌نامم. این الگوها شامل درآمدهای بیش از حد انتظار و کمتر از حد انتظار و افزایش و کاهش رتبه اعتباری است.

✱ نمونه‌های بیشتر: من ۲۸۵۰۰ نمونه الگوی نموداری پیدا نمودم که دو برابر ۱۵۰۰۰ الگوی استفاده‌شده در ویرایش اول است و همین، بسیاری از آمارها را همچون تخته‌سنگی محکم نمود.

✱ واژه‌نامه و روش‌شناسی: به‌جای آنکه متن را با تعاریف تکراری پرکنم، فصلی جدید در انتهای کتاب وجود دارد که توضیحات تکمیلی را ارائه می‌دهد.

توماس بولکوفسکی

ژانویه ۲۰۰۵

مقدمه‌ای بر چاپ اول

زمانی که خام و بی‌تجربه بودم، فهمیدم که آسان‌ترین روش برای ثروتمند شدن، ورود به بازار سهام است. بالاخره بازار سهام مکانی کلاس‌بلا بود که برخی در آن برنده هستند و برخی هم بازنده! (البته برندگان همواره کارگرهای‌ها هستند). تمام کاری که باید انجام دهید، این است که سهمی را که قرار است رشد کند، بخرید و از سهمی که قرار است نزول کند، دوری کنید.

زمانی که از دانشگاه سیراکیز با مدرک مهندسی فارغ‌التحصیل شدم، این مطلب را در ذهن داشتم و معامله در بازار سهام، تبدیل به اولین شغل حرفه‌ای‌ام شد. هرروز صبح روزنامه را باز می‌کردم و سهم منتخب را با تکه‌ای کاغذ بر روی دیوار می‌چسباندم. همکارم «باب» از همان روزنامه‌ای که من می‌خواندم، برای انتخاب سهام استفاده می‌کرد. انتخاب‌های من پس از تحقیق خسته‌کننده‌ی بنیادی انجام می‌شد؛ اما «باب» به‌سادگی چشمانش را می‌بست و انگشتش را بر روی روزنامه می‌چرخاند و سپس آن را درجایی از صفحه نگاه می‌داشت. وقتی چشمانش را باز می‌کرد و انگشتش را از روی روزنامه می‌داشت، سهم خود را انتخاب کرده بود.

پس از چندین ماه زیر نظر گرفتن خنده‌های من، متوجه شدم که باوجود انتخاب‌های تصادفی، عملکرد «باب» بهتر از من است. موضوع مهم دیگری پیش‌پا نیفتاده بود. من توانستم در هنگام انجام معاملات کاغذی، مطالب زیادی یاد بگیرم.

به دلیل تردید و سوءظنی که از پدر و مادرم به ارث برده بودم، قبل از انتخاب نهایی و اولین خرید، در مورد دوجین شرکت تحقیق نمودم. سپس حساسی واقعی بازکردم. زمان بنی‌ام عالی بود و ۱۷ درصد سود کسب نمودم. در نگاه اول، ممکن است که سرمایه‌گذاری من بسیار پرریسک به نظر آید؛ اما این‌طور نبود. کل سودی که در معامله به دست آورده بودم ۲۱ درصد بود که بخشی از آن صرف هزینه معاملات شد.

شجاعتم زیاد شد و با پول‌های اندکی که پس‌انداز کرده بودم، سرمایه‌گذاری مجدداً زمان‌بندی‌ام عالی بود و در آغاز بازار افزایشی بزرگ وارد بازار شدم. من سهمی را در قیمت ۸۸ سنت خریدم و سه‌هفته بعد آن را تا قیمت ۳۰ دلار مشاهده نمودم.

مبادا فکر کنید که همه‌چیز آسان بود و ببینید که چه اتفاقی افتاد. سبد سهامم با جست‌وخیز در حال افزایش بود؛ اما شغل حرفه‌ای‌ام به خطر افتاد. پس از تغییر زیاد شغل، سرانجام به شرکتی آمدم که مانند خانه من بود. تقریباً شش ماه پس از آنکه دهمین سال حضورم را در شرکت سپری کرده بودم، نامه‌ای از رئیس دریافت کردم. او حضور ۱۰ ساله من را تبریک گفت و سال‌های موفق‌تری را برایم آرزو کرد.

شش ماه بعد، از شرکت اخراج شدم.

در سن ۲۶ سالگی با خود گفتم که دیگر کافی است. روزنامه‌ها، برای افرادی مثل من از اصطلاح میلیون‌ها انسان گم‌شده استفاده می‌کنند. ما کسانی هستیم که به هر دلیل، شغلان را ترک کردیم و تصمیم گرفتیم که دیگر

جزو نیروی کار نباشیم. ما بازنشست شدیم. هرکسی و به معنی واقعی کلمه هرکسی به جز «دخترعمو مارین» فکر می کند که ما دیوانه هستیم. البته آن ها درست می گویند!

برای مدتی طولانی مجذوب تحلیل تکنیکال شدم. در سال های اول، هیچ احترامی برای تحلیل تکنیکال قائل نبودم؛ اما کنجکاو شدم که چرا کارگزاری های بزرگ، تعداد زیادی تحلیلگر تکنیکال استخدام می کنند. با این حال، شجاعت دوری از تحلیل بنیادی را نداشتم و دلیلش هم این بود که چیزی از تحلیل تکنیکال نمی دانستم. سپس مجله «تحلیل تکنیکال سهام و کالا» را کشف نمودم. در ساعت چهار، از آسانسور پایین آمده و به کتابخانه می رفتم تا مطالب مجله را بخوانم. اگرچه من الگوهای نموداری را در سهامی که می خریدم مشاهده کردم؛ اما هرگز به طور واقعی توجه چندانی به آن ها نکردم. زمانی که برخی خریدهایم به زیان منجر شد، احترام بیشتری برای الگوهای نموداری قائل شدم. تحلیل بنیادی همواره خوب به نظر می رسید؛ اما تحلیل تکنیکال درست در زمانی که قصد ورود داشتم، به من ر مورد تغییر روند هشدار می داد. سهامی که می خریدم یا زیان می کرد و یا خیلی زود می فروختم و سود اندکی به دست می آوردم.

شاید این اتفاق برای ما هرگز رخ ندهد. با انجام تحلیل بنیادی بر روی سهامی اقدام به خرید آن می کنید؛ اما قیمت سهم برای یک سال یا بیشتر هیچ حرکتی انجام نمی دهد. حتی بدتر از آن، پس از ورود شما سهم شروع به کاهش می کند. آیا تابه حال به نظر نمی رسد؟ زیرا پاسخ شکست های شما همواره آنجاست. «قیمت خط روند را شکافت، الگوی سر و شانه سقف، شکست گرو» است. شاخص قدرت نسبی، شرایط بیش فروش را نشان می دهد». همه ابزارهای تکنیکال هشدار می دهند که خرید در زمان فعلی باعث زیان خواهد شد؛ اما بدان ها توجه نمی کنید.

شما تنها نیستید، زیرا من نیز سال ها این گونه رفتار کردم. سرانجام در عملکرد خود در بازار سهام خسته شدم و تصمیم گرفتم تا تحقیق خود را بر روی تحلیل تکنیکال انجام دهم. به تناسبت ر فتم و در همه کتاب ها مطالب مشابهی خواندم: «الگوی سر و شانه در بیشتر مواقع درست عمل می کند. این چه به چه معناست؟ آیا بدین معناست که این الگو در ۵۱ درصد از مواقع موفق است یا در ۹۰ درصد از مواقع؟ هیچ کس جوابی برای این سؤال نداشت. حاضر نبودم که پول خود را با این اراجیف ساده به خطر بیندازم. به عنوان یک مهندس به دنبال اطلاعات محکم و حقایق متقن می گشتم و به همین دلیل این کتاب را نوشتم.

اگر تابه حال بر روی اتومبیل کار کرده اید و یا کارهای نجاری انجام داده اید، به خوبی می دانید که انتخاب ابزار مناسب برای کار چقدر مهم هستند. انتخاب ابزارهای مناسب تر و یادگیری شیوه استفاده از آن ها نیمی از راه است. این کتاب هم بدین شکل است و تفاوت گندم از کاه را نشان می دهد.

من نمی توانم با استفاده از الگوهای نموداری تجربه مورد نیاز برای پول درآوردن در بازار سهام را به شما یاد بدهم. من تنها می توانم ابزار را به شما داده و بگویم که «ابتدا بر روی معاملات کاغذی کار کنید». این اولین گام برای توسعه شیوه دادوستدی است که می تواند برای شما هم عملی باشد. اگر معاملات کاغذی خود را مرور کنید،

خواهید فهمید که چرا حدّ زیان برای معامله‌گران حرفه‌ای بیش از یک ابزار اهمیت دارد. توانایی‌های خود را برای شناسایی سطوح حمایت و مقاومت بهبود خواهید داد و این توانایی به شما اجازه می‌دهد تا دستورات توقّعی خود را جابجا کنید و مثلاً در نزدیکی سقف خارج شوید، زیان‌ها را کوتاه کنید و به سود خود اجازه رشد دهید.

توماس بولکوفسکی

دسامبر ۱۹۹۹

www.ketab.ir

دیباچه

«جیم» صاحب فروشگاه‌های زنجیره‌ای JCB است و رقیب وی در آن سمت شهر، فروش بالاتری دارد. وی تصمیم می‌گیرد که شرکت خود را عمومی کند و از درآمد IPO استفاده کرده و کسب‌وکار رقیب را بخرد و مالک چند مغازه دیگر در اطراف شهر گردد. با درآمد رو به فزونی مغازه‌ها، «جیم» می‌تواند با عرضه کنندگان چانه زده و اجناس آن‌ها را با تخفیف بخرد. سود «جیم» افزایش می‌یابد و تصمیم می‌گیرد مغازه‌های خود را توسعه دهد.

«جیم» با در ستش «تام» تماس می‌گیرد و طرحی در زمینه گسترش کسب‌وکار به کل کشور به وی ارائه می‌کند. آن‌ها روی میزانی گفت‌وگو می‌کنند و شیوه‌های چگونگی مدیریت بهینه جهت گسترش کسب‌وکار را باهم در میان می‌گذارند. زمانی که «تام» تلفن را قطع می‌کند، تصمیم می‌گیرد تا در مورد شرکت «جیم» تحقیق کند. او به فروشگاه‌های زیادی سر می‌زند و با مشتریان هم صحبت می‌شود. در برخی فروشگاه‌ها، حتی با عرضه کنندگان نیز صحبت می‌کند. در نهایت به ارزشی ازمی‌گردد و به تحلیل مسائل مالی و رقابتی شرکت می‌پردازد. همه چیز بررسی می‌شود؛ در نتیجه او به شرکای خود پیشنهاد می‌دهد که سهم این شرکت را در قیمت‌های کمتر از ۱۰ دلار خریداری کنند.

با انتشار خبر توسعه فراگیر شرکت، بازار سهم دچار «پریت» می‌شود، زیرا شرایط کلی اقتصاد خوب نیست. سهم به زیر سطح ۱۰ دلار کاهش می‌یابد و شرکای تجاری «تام» اقدام به خرید سهم می‌کنند. آن‌ها بدون کوچک‌ترین تردید تا جایی که می‌توانند می‌خرند. سهم به هر ترتیب رشد کرد و ۱۲ و ۱۳ دلار می‌رسد و سپس به سمت پایین بازمی‌گردد.

چندین ماه می‌گذرد و شرایط کلی اقتصاد مانند قبل تاریک است. سهم به ۶ دلار کاهش می‌یابد. پس از آنکه «تام» خبرهای اخیر در مورد شرکت را بررسی نمود، به گروهش دستور خرید داد. شش هفته بعد، میزان فروش JCB منتشر شد و ارقام بهتر از پیش‌بینی‌ها بود. سهم در چند دقیقه ۱۵ درصد رشد کرد و ۷۵ دلار شد و این تنها ابتدای کار بود. شش ماه بعد، روشن بود که اقتصاد در خطر بحران بزرگ مالی قرار ندارد و همه می‌دانستند که زمان انفجار فرارسیده است. سهم به ۲۰ دلار رسید.

سال‌ها سپری شد و سهم چندین بار کاهش یافت. «تام» با برخی مشتریان ناراضی شرکت صحبت کرد و متوجه شد که آن‌ها همه از یک چیز می‌نالند و علت ناراضی‌ای این بود که کالاهای تبلیغ شده بر روی قفسه‌ها موجود نیست. «تام» تحقیق بیشتری به عمل آورد و متوجه شد که مشکل بزرگی در بخش توزیع وجود دارد. مشکل این بود که زیرساخت‌های لازم برای رساندن کالا به فروشگاه وجود ندارد.

«تام» دریافت که زمان فروش فرارسیده است. او دستور فروش فوری در قیمت‌های بالاتر از ۲۸,۲۵ را به گروه خود ارائه کرد. آن‌ها قبل از آنکه سهم کاهش یابد، یک سوم از سبد بزرگ خود را خالی کردند. از آنجاکه زمان تعطیلات آخر سال بود، به نظر می‌رسید که همه در شرایط خرید هستند. معامله‌گران مبتدی فکر می‌کردند که

قیمت سهم ارزان است و وارد سهم شدند. شرکت‌های بزرگ کارگزاری به مشتریان خود خرید این سهم را پیشنهاد دادند، با این حال «تام» به خوبی می‌دانست که چه خبر است. زمانی که سهم به اوج قبلی خود بازگشت، شرکای «تام» باقی سبد خود را نیز فروختند. سهم به سقف رسید و در آنجا دور زد. در طول یک ماه و نیم آینده، سهم به آهستگی نزول کرد.

در زمان تعطیلات کریسمس، خبر فروش ضعیف شرکت JCB به بیرون درز کرد. شایعاتی در مورد مشکل توزیع محصولات، اشتباهات تجاری و مشکلات نقدینگی شرکت وجود داشت. شرکت‌های کارگزاری که تا چند هفته قبل به مشتریان خود پیشنهاد خرید داده بودند، حالا دستور فروش صادر کردند. سهم یک‌باره ۳۹ درصد نزول کرد. چند تن از تحلیلگران معتقد بودند که سهم در شرایط بیش فروش قرار گرفته و قیمت سهم بسیار ارزان است و معامله‌گران با به خرید سهم اقدام کنند. بسیاری از معامله‌گران به این توصیه خرید گوش کرده و سهم را خریدند. اشتباه بزرگی بود. قبل از آنکه فشار فروش جدید باعث کاهش قیمت سهم شود، اشتیاق خرید اندکی قیمت سهم را افزایش داد. روز سهم کاهش می‌یافت و در مدت دو ماه، نزول ۳۰ درصدی دیگری را ثبت نمود. شرکت در فصل بعد اعلام نمود که میزان فروش، بسیار پایین‌تر از انتظارات خواهد بود و در نتیجه سهم بار دیگر ۱۵ درصد کاهش یافت. شرکت تلاشی نکرد تا مشکل توزیع محصولات را برطرف کند؛ اما چنین مشکلی به آسانی رفع نمی‌شد. همچنین شرکت تصمیم گرفت تا به جای توسعه، به سود ده کردن مغازه‌های موجود متمرکز شود. دو سال بعد «تام» نمودار سهم را مشاهده نمود. به نظر می‌رسید که سهم در روند مسطحی قرار دارد و مانند مرده رفتار می‌کند. او با «جیم» تماس گرفت و با وی در مورد آینده شرکت گفت‌وگو کرد. «جیم» در مورد روش جدید خرده‌فروشی صحبت کرد که «اینترنت» نام داشت. او به دنبال فرصتی که برای فروش محصولات به شیوه آنلاین به دست آورده بود هیجان‌زده شد. فروش آنلاین کمی پرخطر بود؛ اما «جیم» پیش‌بینی کرد که این روش به‌زودی توسعه پیدا خواهد کرد. «تام» تحت تأثیر قرار گرفت و شروع به بررسی سهم کرد. به‌زودی شروع به خرید سهام نمود.

ردپای سرمایه‌گذاری

اگر حرکت قیمت شرکت JCB را در ذهن تجسم نمایید، ممکن است متوجه سه الگوی نموداری شوید که شامل: کف دوگانه، سقف دوگانه و جستن گریه مرده است. برای سرمایه‌گذاران آگاه، الگوهای نموداری مانند اشکال نامنظم و بی‌فایده نیستند؛ بلکه آن‌ها «ردپای» سرمایه‌گذاران هوشمند هستند. «ردپاها» تمام چیزی است که آن‌ها به دنبال آن هستند و بدین طریق جیب خود را پُرتر و پُرتر می‌کنند. برای انسان‌های دیگر مانند «تام»، پیدا کردن یک سهم راهی سخت و دشوار است. این افراد، ردپاها را ایجاد می‌کنند. آن‌ها سرمایه‌گذاران هوشمندی هستند که قوانین بازی را تعیین می‌کنند، بازی که هر کس می‌تواند در آن وارد شود. به این بازی «سرمایه‌گذاری» گویند. اجازه دهید به شما بگویم که من چگونه ردپاها را دنبال می‌کنم. من سهام را در شرکت آلاسکا ایر فروختم، زیرا فکر می‌کردم که سهم نزول خواهد کرد. این‌ها نوشته‌هایی است که من در مورد شرایط معامله‌ام یادداشت نمودم:

«روز ۶ سپتامبر سال ۲۰۰۱. امروز صبح دستور حدّ زیانی در ۳۱,۵۰ قراردادام که قیمت با آن برخورد نمود. سهم به سطح حمایتی رسیده بود و با وضعی که در اقتصاد و شرایط بد ماه‌های سپتامبر تا اکتبر وجود دارد، امروز زمان خروج از معامله با ۲,۵ درصد زیان است. باید در قیمت گریز الگوی کف دوگانه حوا و آدم، سهم را می‌خریدم. شاخص قدرت نسبی دو بار قلّه ایجاد نمود و در حال حاضر در حال کاهش است و هشدار فروش صادر می‌کند و شاخص کانال کالا نیز هشدار فروش می‌دهد.»

من سهام را در دو روز معاملاتی قبل از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر فروختم. چهار روز پس‌ازآنکه معاملات سهام از سر گرفته شد، قیمت سهم با حدود ۵۰ درصد نزول به ۱۷,۷۰ رسید. «ردپا» دروغ نمی‌گوید و شمارا از خطر دور می‌کند. این کتاب ابزارهایی به شما می‌دهد تا ردپاها را شناسایی نمایید. راهنمایی‌هایی که نزول قیمت و اندازه حرکت پیش‌بینی می‌کنند و نشان می‌دهند که راهنمایی‌های موردنظر چقدر قابل‌اعتماد هستند. ابزارها شما را ثروتمند نمی‌کند و به‌ندرت انجام چنین کاری از آن‌ها برمی‌آید؛ اما آن‌ها بزرگ‌ترین ثروت هستند و باید از آن‌ها با درایت استفاده کنید.

پایگاه داده

برای نوشتن این کتاب از داده‌های فراوانی بهره‌گرفتم تا الگوهای نموداری را جستجو نمایم. پایگاه داده اصلی شامل ۵۰۰ سهم بود که هرکدام از آن‌ها در بازه ۵ سبه که از اوایل سال ۱۹۹۱ شروع می‌شد، جمع‌آوری گردید. سهام این پایگاه داده، بایستی دارای حرکت و جنب‌وجوش باشد. در نتیجه آن‌ها در این بازه ۵ ساله در حرکت مسطح و بدون روند قرار نداشتند و همچنین سهامی با نوسانات روزانه بزرگ شامل پایگاه داده من نمی‌شد. معمولاً سهمی که قیمت آن به زیر یک دلار می‌رسید، حذف می‌کردم و فرض این بود که ورشکستگی دیر یا زود گریبان آن شرکت را خواهد گرفت. بیشتر نام‌های پایگاه داده من، شرکت‌های معروف آمریکایی هستند که در بازارهای «سهام نیویورک» یا «نزدک» معامله می‌شوند.

باوجود بازار صعودی از سال ۱۹۹۶ به بعد و همچنین بازار نزولی سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۲، این پایگاه داده دیگر نیز به دست آوردم. در این دو دوره ۵۰۰ سهم را در مجموع زیر نظر گرفتم.

برای الگوهای نموداری کمیاب، از هر سه پایگاه داده استفاده کردم و از سال ۱۹۹۱ تا آخرین زمان در دسترس به جستجو پرداختم. برای الگوهای پرتکرار، الگوهایی که قبلاً یافته بودم را به آن‌هایی که در طول بازار کاهشی یافتم اضافه نمودم.

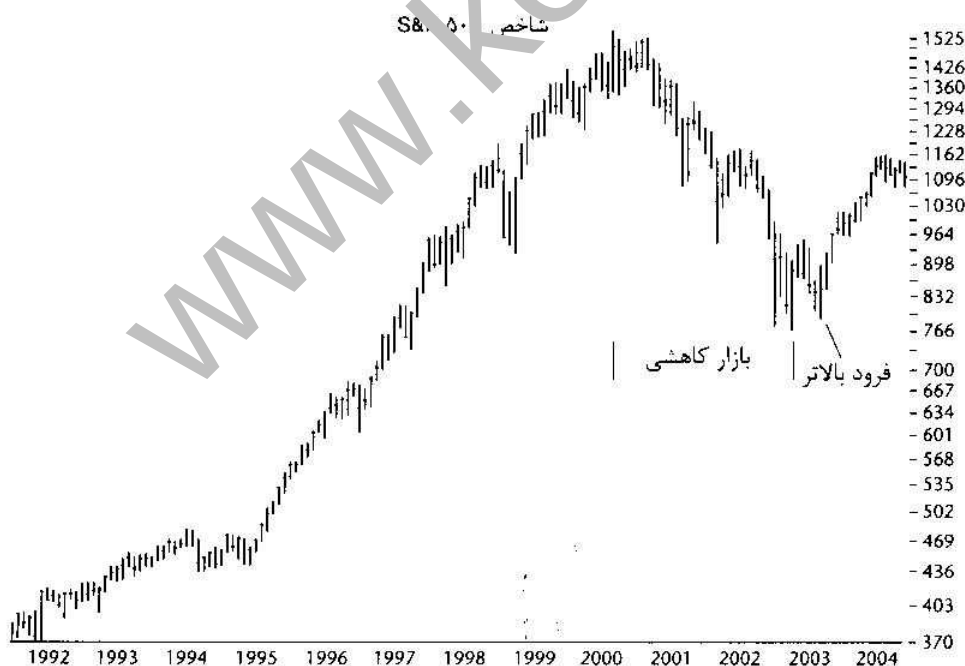
در ویرایش اول این کتاب با تلفیقی از روش‌های دستی و کامپیوتری، الگوهای نموداری را یافتم. در ویرایش فعلی، ۱۵۰۰۰ نمونه ویرایش اول را قرار داده و باقی را به‌صورت دستی از آن زمان پیدا کردم که روی هم به بیش از ۲۸۵۰۰ نمونه رسید.

عملکرد سهام از سال ۱۹۹۱ تا سال ۲۰۰۴

قبل از مطالعه در مورد الگوهای نموداری مختلف در این کتاب، لازم است تا عملکرد بازار سهام را در طول این مدت مرور کنیم. شکل ۱، نمودار شاخص S&P500 در مقیاس زمانی ماهانه را نشان می‌دهد.

شاخص از اواسط سال ۱۹۹۱، حرکت رو به بالای سریعی دارد و سپس در سال ۱۹۹۴ متوقف شده و پس‌از آن دوباره به رشد خود با شیب تندتری طی سال ۱۹۹۵ ادامه می‌دهد. شاخص در ماه اوت سال ۱۹۹۸ اندکی نزول کرد و در طی دو ماه، فرودهای پایین‌تری ایجاد نمود، سپس به سمت بالا حرکت کرد و تا ماه مارس سال ۲۰۰۰ به قله خود رسید که هشدار برای پایان بازار افزایشی بود. شاخص از سال ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۰، ۴۱۸ درصد نمود. پس‌از آن بازار کاهشی آغاز شد و شاخص تا ماه اکتبر ۲۰۰۱، نزول ۵۱ درصدی را ثبت کرد. سپس شاخص بار دیگر صعود کرد و در ماه مارس ۲۰۰۳، فرودی بالاتر ایجاد نمود که هشدار برای تغییر روند نزولی است؛ بنابراین فرود ماه اکتبر نشان دهنده پایان بازار کاهشی بود.

تمام این‌ها به چه معناست؟ بازار کاهشی از تاریخ ۲۴ مارس سال ۲۰۰۰ تا ۱۰ اکتبر سال ۲۰۰۲ به مدت دو سال و نیم به طول انجامید. بازار افزایشی دامنه‌تان دیگر داشت و در مجموع ۱۱ سال به طول انجامید.



شکل ۱. شاخص S&P500 از ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۴

سرمایه‌گذاری با استفاده از آرایش‌های نموداری

می‌توانم مثلاً دندان‌پزشکی را به هرکسی که از روبرویم عبور کند بدهم؛ اما به آن شخص اجازه نخواهم داد تا نزدیک دندان‌هایم شود. این کتاب هم همین‌گونه است. این کتاب ابزارهایی ارائه می‌دهد تا بتوانید با موفقیت سرمایه‌گذاری نمایید. کتاب به شما می‌گوید که کدام الگوهای نموداری بهترین عملکرد را دارند و از کدام الگوها باید اجتناب کرد. اگرچه کسب سود با استفاده از ابزارهای کتاب فقط به خودتان وابسته است.

من این کتاب را دایرة المعارف نام نهادم؛ زیرا این شیوه‌ای است که از این کتاب استفاده می‌کنم. در زمان پیدایش الگویی نموداری در سهمی که قبلاً خریده‌ام و یا قرار است بخرم، به کتاب مراجعه می‌کنم. اطلاعات کتاب باعث داوری مطالب فراموش‌شده می‌شود و می‌توانم اطلاعات مربوط به دستورالعمل‌های شناسایی، عملکرد و یا راهنمایی دیگر را با مرور کتاب به دست آورم. سپس به دنبال الگوهای مشابه در همان سهم با استفاده از مقیاس‌های زمانی صوت می‌گردم و اگر نتوانستم الگوی مشابهی پیدا کنم، به دنبال الگوهای مشابه در دیگر سهام آن صنعت می‌گردم. من به دقت به الگوها می‌نگرم تا دریابم آیا زوایای پنهان آن‌ها برای موقعیت فعلی کاربردی است؟

توسعه روش سرمایه‌گذاری

سؤالی که غالباً از خود می‌پرسم این است که چگونه یک روش سرمایه‌گذاری را توسعه بدهم؟ البته معمولاً این سؤال اصلی نیست، بلکه از خود می‌پرسم چگونه با معامله در سهام پول به دست آورم؟ زمانی که اولین بار این سؤال را پرسیدم، در پاسخ دادن به آن عاجز ماندم. فکر می‌کنم این سؤال مثل این است که به چهار نفر رنگ آبی را نشان دهید و از آن‌ها بخواهید تا آن را توصیف کنند، یک نفر کوررنگی دارد و هر پنهان کردن برای شما بی‌اهمیت است. یک نفر می‌گوید که این رنگ آبی تیره است. دیگری می‌گوید اصلاً آبی نیست، بلکه سبز است و نفر چهارم هم می‌گوید که این رنگ ترکیبی از آبی و سبز است. برای هر شخصی، رنگ آبی همان آبی است و سعی نکنید پاسخ‌ها را باهم مقایسه نمایید.

توسعه یک روش دادوستد خیلی شبیه همین مثال است. این اتفاق تنها با تلاش فردی به دست می‌آید که معمولاً با تجربه همراه است. من نمی‌توانم تجربه‌ام را به شما انتقال دهم، بلکه تنها راه‌های به دست آوردن تجربه را به شما نشان خواهم داد.

اگر فصلی در مورد الگوهای نموداری صعودی می‌خوانید و اولین سهم خود را با الگویی که در بازار صعودی ایجاد شده است می‌خرید، احتمالاً موفق خواهید بود. معمولاً همیشه اولین خرید برای معامله‌گران مبتدی سود ده است و شاید معامله دوم یا سوم هم همین‌طور باشد، درنهایت روزی می‌رسد که طعم تلخ زیان را خواهید چشید و

کسی چه می‌داند، شاید در همان معاملهٔ اول با زیان مواجه شوید. با شناسایی الگوهای نموداری اقدام به دادوستد می‌کنید و دادوستدهایتان زیان ده می‌شود. ممکن است خودتان یا روزگاری را زیر سؤال ببرید؛ اما یک چیز مشخص است و آن اینکه روش معاملاتی شما خوب نیست.

بیشتر مردم تفاوتی بین خرید سهام و خرید میوه قائل نیستند! آن‌ها به سهم می‌نگرند، کمی آن را برانداز می‌کنند و سپس سرمایهٔ خود را در آن سرمایه‌گذاری می‌کنند. من در مورد مبالغ کوچک حرف نمی‌زنم، بلکه در مورد هزاران دلار حرف می‌زنم و بعضی مواقع این خریدها در راستای تصاحب یک شرکت است.

اگر تازه‌حال جزو هیئت‌مدیرهٔ شرکتی بوده‌اید، متوجه منظورم می‌شوید، شما مسئولیت سرمایهٔ مردمی را برعهده دارید که شما را برای آن پست انتخاب کرده‌اند. نه تنها باید در مورد مسائل مربوط به کارکنان تحقیق کنید، بلکه باید خود وارد میدان شده و چرخ‌های شرکت را به حرکت درآورید. این طور فرض نکنید که آنچه کارمندان می‌گویند هر چه درست است و یا بهترین راه‌حل را ارائه می‌دهند. در مورد همه چیز سؤال کنید، اما کم‌کم به آموختن بپردازید و سعی کنید بدون پست و حقیر بودن به دیگران کمک نمایید. این جملاتی که در بالا آمد نقش شما را به عنوان سهامدار عمده نشان می‌دهد؛ اما به عنوان سهامداری خرد (که یکی از صاحبان شرکت است)، آیا موضوع باید متفاوت باشد؟

یک بار تصمیم به خرید سهام سرنی، صورت عمده گرفتیم. سهم در الگوی «مثلث متقارن»، گریز رو به بالا ایجاد کرده بود. تحقیقاتم به من می‌گفت که شرکت در صنعت ماشین‌آلات است و تحقیقات بیشتر مشخص نمود که شرکت، فرآورده‌های نسوز تولید می‌کند. به تحقیق در روی شرکت ادامه دادم تا اینکه در نهایت مشکلی من را نگران نمود، من کم‌ترین اطلاعاتی از محصول تولیدی شرکت نداشتم و زمانی که تصمیم به تحقیق از درون شرکت گرفتم، استقبال گرمی مانند آنچه معمول است با من نشد. بنابراین، این موقعیت صرف‌نظر کردم و تصمیم به انجام معاملهٔ کاغذی بر روی این سهم گرفتیم. به این روش «توصیهٔ بزرگ» می‌گویند. وی معتقد بود که اگر نمی‌توانید کسب و کاری را بفهمید و آن را در یک خط توضیح دهید، در آن سرمایه‌گذاری نکنید. نصیحت خوبی است. البته اگر کورکورانه در الگوهای نموداری سرمایه‌گذاری کنید و این روش را به عنوان عملی باشد، من چه کسی هستم که بگویم روش شما غلط است؟ حقیقت این است که روش شما غلط نیست. اگر ممکن است با این روش پول درمی‌آورید؛ بنابراین شیوهٔ متناسب با شخصیت خود را توسعه داده‌اید، پس موفق باشید.

اگر احتمالاً حدس زده باشید، شیوهٔ سرمایه‌گذاری من ترکیبی از تحلیل بنیادی، تکنیکال، احساسی و مدیریت سرمایه است. اعتماد به تحلیل تکنیکال بدین معنا نیست که به نسبت‌های مالی نمی‌نگرم. پس از آن فاکتور احساسی به میدان می‌آید. ممکن است ماه‌ها بدون حتی یک سرمایه‌گذاری سپری شود؛ اما ناگهان فرصتی سودآور نمایان می‌شود و من از آن بهره می‌گیرم. سه روز بعد دوباره تمایل به دادوستد دارم، چرا؟ آیا بدین دلیل است که بازگشت به دنیای معامله‌گری احساس خوبی به آدم می‌دهد؟ آیا بدین دلیل است که می‌خواهید کسی را با کیف پرپول تحت تأثیر قرار دهید؟ این دقیقاً جایی است که معاملات کاغذی مفید واقع می‌گردد. من با انجام معاملات کاغذی می‌توانم تکنیک‌های جدیدی تجربه نمایم و خبری هم از زیان کردن نیست. اگر بتوانم شبیه‌سازی را با

دقت انجام دهم، ناخودآگاهم تفاوت آن را تشخیص نمی‌دهم و در نتیجه می‌توانم در این مسیر چیزهای زیادی یاد بگیرم.

پس از پرداختن به موضوع احساسات، مسئله مدیریت سرمایه به میان می‌آید. به‌طور واقع‌بینانه، چه میزان سود می‌توانم کسب کنم و چقدر از سرمایه خود را به خطر بیندازم؟ با چه حجمی وارد معامله شوم؟ چه زمانی می‌توانم به موقعیت معاملاتی خود بيفزایم؟ چقدر باید صبر کنم تا سهم به هدف مورد نظر برسد و آیا باید در موقعیتی پرخطر که سریع‌تر به نتیجه می‌رسد، سرمایه‌گذاری کنم؟

سرمایه‌گذاری با الگوهای تکنیکی مانند عمل کردن بر اساس احتمالات است. اگر به‌اندازه کافی با اعداد کارکرده باشید، موفق خواهید شد. مطمئناً تعدادی از سرمایه‌گذاری‌های شما شکست خواهد خورد و به همین دلیل، باید بیاموزید که قبل از غیرقابل کنترل شدن زیان‌ها، آن‌ها را کاهش دهید. باین‌حال معاملات برنده‌تان باید شما را به‌خوبی حفظ کند و باید آماده باشید تا بدان‌ها اجازه رشد دهید. اگر قیمت سهم در جهت مخالف پیش‌بینی شما دو یا سه برابر حرکت کرد، این اشتباه را مرتکب نشوید که تنها آن را نظاره کنید و البته سناریوهای بدتر از این هم وجود دارد.

معامله‌گران کوتاه مدّت، میان مدّت و بلند مدّت

در زمان نگارش این کتاب از خود پرسیدم که افق زمانی برای الگوهای نموداری چیست؟ الگوهای نموداری برای کدامیک از معامله‌گران کوتاه مدّت، میان مدّت و بلند مدّت مناسب است؟ درست است! الگوهای نموداری می‌تواند برای معامله‌گران کوتاه مدّت یا معامله‌گران روزمحو استفاده باشد؛ معامله‌گرانی که در طی یک روز به موقعیتی وارد و از آن خارج می‌شوند. بسیاری از معامله‌گران روزمحو با کوتاه‌مدت روش دادوستدی دارند که بر پایه الگوهای نموداری و حمایت - مقاومت استوار شده است. آن‌ها با الگوهای قابل اعتمادی تمرکز می‌کنند که می‌تواند به سرعت به هدف‌های پیش‌بینی‌شده آن‌ها برسد.

برای معامله‌گران میان مدّت یا معامله‌گران موقعیتی که موقعیت معاملاتی را بیش از یک روز (نه برای همیشه) نگاه می‌دارند؛ الگوهای نموداری دستورات ورود و خروج مناسبی را ارائه می‌دهد. من خودم را معامله‌گری میان مدّت یا موقعیتی می‌دانم. اگر معامله‌ام خوب پیش نرفت، خیلی سریع از آن خارج می‌شوم. اگر معامله‌ام سود ده بود، نیازی نمی‌بینم که سودم را کوتاه کنم و بدان اجازه رشد ندهم. اگر سهم تمام حرکت خود را انجام داد، خروج از آن موقعیت را در نظر می‌گیرم. مانند معامله‌گران کوتاه مدّت، سعی می‌کنم که در موقعیت‌هایی خرید کنم که بازدهی قابل اعتمادی را دارا هستند و به سرعت به اوج نهایی خود می‌رسند.

برای معامله‌گران بلند مدّت نیز الگوهای نموداری نقاط ورود و خروج مناسبی را فراهم می‌کند. به یاد می‌آورم که در شرکتی نفتی سرمایه‌گذاری کردم و می‌دانستم که این شرکت بازده مناسبی را طی دو یا سه سال آینده نخواهد داشت. من اشتباه می‌کردم، زیرا سهم شرکت در عرض سه هفته، ۲ برابر شد.

نمونه دادوستد

بیشتر نمونه‌های دادوستد در هر فصل این کتاب، براساس داستان‌های ساختگی است. می‌خواستم در هر نمونه دادوستد، تکنیک‌هایی را با مثال توضیح دهم و به همین دلیل، شخصیت‌های غیرواقعی را در شرایط غیرمعمول قراردادام. هدف این بود که ایده‌هایی به شما دهم تا سودتان را افزایش داده و زیان‌هایتان را به حداقل برسانید.

آمار: «من به اعداد اعتقادی ندارم»

الگوی پرچم بلند و افت‌ورده میانگین افزایش ۶۹ درصدی در بازار افزایشی دارد. سؤال: اگر با این الگو به اندازه کافی در بازار افزایشی کار کنید، آیا می‌توانید میانگین ۶۹ درصد کسب کنید؟ پاسخ: خیر. چرا نه؟ ممکن است مانند یکی از دوستان باشد که دو جن معامله می‌کند و تنها یک‌بار سود به دست می‌آورد و آن‌هم تنها چند صد دلار؛ اما دلیل دیگری هم وجود دارد: میانگین افزایش ۶۹ درصدی از ۲۵۲ معامله کامل ناشی می‌شود. معامله کامل، معامله‌ای است که در نهایت خرید می‌کنید و در اوج نهایی می‌فروشید. اوج نهایی، بالاترین اوج قبل از کاهش حداقل ۲۰ درصدی قیمت‌هاست. نه تنها این معاملات کامل هستند، بلکه هزینه کمسیون و دیگر هزینه‌های معاملاتی نیز در آمار مربوطه در نظر گرفته نشده است. بازدهی شما ممکن است پایین‌تر یا بالاتر از این میزان باشد. با این حال، من تقریباً در همه فصول از یک فرمول استفاده کردم؛ بنابراین می‌توانید در بیشتر مواقع، عملکردها را باهم مقایسه کنید.

اگر آزمایشات شما را امتحان کنم، نتایج مشابهی خواهم گرفت؟ بله. شخصی را در هند می‌شناسم که بازدهی او به‌صورت مکرر ۳۰ تا ۴۰ درصد بیشتر از بازار است و معتقد است که آمار، من خیلی محافظه‌کارانه تنظیم شده است. یک مدیر صندوق پوشش ریسک به من گفت که آمار این کتاب در «الگوی جستن گربه مرده» بسیار کامل و دقیق بوده است. شخص دیگری معتقد بود که آمار «الگوی جستن گربه مرده» دقیق است؛ اما با آمار الگوهای دیگر مشکل دارد. اگر روش مورد استفاده من را دنبال نکنید، نتایج‌تان متفاوت خواهد بود؛ بنابراین در این کتاب بخش واژه‌نامه و روش‌شناسی گنجانده شده است تا شیوه اندازه‌گیری نتایج به‌دست‌آمده را توضیح دهد. روش مورد استفاده من پنجره‌ای به دنیایی تازه باز نمود. در این دنیای تازه درخواهید یافت که یک ماه پس از گریز در بازار کاهشی، قیمت غالباً رشد می‌کند. خواهید فهمید که وقتی عقب‌نشینی (Pullback) رخ می‌دهد، عملکرد الگو آسیب می‌بیند. درخواهید یافت که نرخ‌های ناکامی در ابتدا پایین هستند و سپس به‌سرعت رشد می‌کنند. اشکال حجم معاملات، شکاف قیمتی، اندازه الگو و تعدادی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر عملکرد، باعث بهبود کارایی برخی الگوها شده و بر برخی دیگر بی‌اثر هستند. چنین یافته‌هایی این کتاب را منحصر به فرد کرده است. اعداد خود بیان‌کننده حقایق هستند و من آن‌ها را در صفحات پیش رو به شما ارائه خواهم داد.